

جاهای خالی که پر نمی‌شود

12 بهمن 1402

زنگ آغاز **چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فجر** در حالی به صدا درآمده که جای خیلی از فیلمسازان خوب و دست‌اندرکاران سینمای ایران (بازیگران، فیلمبرداران، فیلمنامه‌نویسان و...) در آن خالی است. از این نفرات برخی همچون داریوش مهرجویی، کیومرث پوراحمد و... در فاصله جشنواره قبل تا این جشنواره به جایی رفتند که دیگر نمی‌توانند فیلمی بسازند. افسوس دارد، اما چاره ندارد. شاید با درنگ در مورد سفر ابدی‌شان بتوان در مورد نبود دیگران چاره‌ای اندیشید، اما در مورد خودشان نمی‌شود. منظورم از دیگران افرادی نظیر بهرام بیضایی، امیر نادری، بهمن فرمان‌آرا، ناصر تقوایی هست و نیست! هست، چون هر کدام‌شان وزنه‌ای سنگین برای تاریخ سینمای ایرانند و فیلم‌های‌شان باعث اعتبار جشنواره‌ها می‌شود. نیست، چون لیست آدم‌های غایب جشنواره‌های در حال برگزاری دوره به دوره بلندتر و عریض‌تر می‌شود. قهر و تحریم فیلمسازان، بازیگران، فیلمنامه‌نویسان و... جای خودش! دلایل دیگری هم برای جا ماندن، حذف شدن و... از قطار سینمای ایران وجود دارد که می‌تواند آینده سینما و جشنواره‌ها را به خطر بیندازد.

کتمان نمی‌کنم که در ماه‌های اخیر در حرف تمایلی به گشایش درها به روی تعداد بیشتری از سینماگران و عوامل سینما نشان داده شده، اما حرف هیچ وقت نمی‌تواند جای گفت‌وگویی برآمده از اعتماد، عمل به وعده‌های قبلی و تلاش برای از بین بردن مشکلات و ... را بگیرد.



مشکلات سینما و جامعه با حرف و توجیه معضلات حل نمی‌شود. درمانش پیش از هر چیز در پذیرش نقشی است که هرکس در ایجاد مشکلات دارد و پس از آن می‌توان به تغییر رویکرد و شرایط امیدوار بود. در غیر این صورت قطار سینما هر روز خلوت و خلوت‌تر می‌شود. مسافرینش در ایستادگاه‌های بین راه پیاده می‌شوند. پس باید چاره‌ای اندیشید. البته منظورم از این چند خط این نیست که در جشنواره امسال فیلم خوب نداریم. ندید نمی‌شود قضاوت کرد. شاید در غیاب بزرگان کسانی باشند که فیلم‌های خیلی خوبی ساخته‌اند. فیلم‌هایی که در آینده مثالی برای اقتدار و سطح بالایی سینمای ایران بشوند. شاید در جشنواره چهل و دوم پدیده‌های نوظهوری هم پیدا شود. شاید... اما همه این شایدها که آرزوی تحققش را داریم، نمی‌تواند دلیلی برای دست روی دست گذاشتن و به کار بردن جمله مهم نیست در زمانی باشد که

در جشنواره‌ها و سینماها و مجامع هنري و... غایب‌های معتبر زیادی داریم. غایب‌هایی که کسی نمی‌تواند جای خالی آنها را پر کند.

*حسن لطفی